

متن پرسش

سلام: نظر به تاکید حضرت امام بر فقه جواهری و عنصر فقاہت (فقاہت مرسوم) در حوزه های علمیه و همچنین تاکید امروز برخی بزرگان بر تفقه سنتی که در حوزه های علمیه مورد توجه است به گونه ای که انتهای مسیر طلبگی و یا بگویم قلّه ی مرسوم در طلبگی رسیدن به مقام اجتهاد در فقه است، می خواهم بدانم آیا این فقه جایگاهی حقیقی در این تاریخ (تاریخ انقلاب) دارد؟ اگر چنین است آن جایگاه را ترسیم نمایید و بفرمایید اثرات این فقه در پیشبرد تاریخ ما کجا قابل رویت است؟ نسبت این فقه با عرفان و فلسفه و تفسیر چه می شود؟ اینکه برخی بزرگان این فقه را بزرگترین عامل برای ارتباط با مردم می دانند حقیقتاً به چه معناست و کجا نمود دارد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فقه مرسوم، انسان را نه تنها در موضوع احکام رشد می دهد، حتی در سایر موضوعات نیز می پروراند تا با دقت بیشتری موضوعاتی مثل عرفان و فلسفه و تفسیر را دنبال کند. به این جهت فقه مرسوم در این زمان می تواند برای امثال رهبری به جهت روحیه تمدن سازی، نقش تاریخی ایفاء نماید. موفق باشید